



ORIGINAL RESEARCH PAPER

The Effects of Mistake in Banking Payments

Hossein Khalili Bandeli ^{1*}, Mostafa Elsan ²,  Babak Rezapour ³

Received:

05 Nov 2020

Revised:

08 Dec 2020

Accepted:

20 Dec 2020

Available Online:

01 Jan 2021

Abstract

Background and Aim: Receiving and payment of money constitute a major part of banking activities. Banks are involved with different individuals and customers every day. The variety of payment methods and the plurality of it may cause a mistake in payment to a third party. This article discusses the types of mistakes in payment and its restitution practices.

Materials and Methods: The research method in this paper is descriptive-analytical.

Ethical Considerations: Ethical considerations regarding the writing of texts as well as references to sources were observed.

Findings: In the course of bank and interbank payments, in some cases, due to human resource errors or disruption of computer systems, payment may be made inappropriately. If the bank is responsible for this wrong payment, the practical procedure of the banks in such cases is that if the recipient has an account in the bank, the bank, based on the contract he signed with his client at the time of opening the account and one of the articles of the contract, can withdraw the money from his account.

Conclusion: Payment is often done to fulfill the obligation. This obligation may result from binding contract or any other cause. There is no difference in payment between banks and others. If a person makes an undue payment, it could be refunded.

Keywords:

Bank,
Bank Payments,
Payment by Mistake,
Obligation.

¹ Ph.D Student, Department of Law, Urmia Branch, Islamic Azad University, Urmia, Iran.

^{2*} Associate Professor, Department of Private Law, Faculty of Law, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran. (Corresponding Author) Email: m_elsan@sbu.ac.ir Phone: +9891227105261

³ Assistant Professor, Department of Law, Urmia Branch, Islamic Azad University, Urmia, Iran.

Please Cite This Article As: Khalili Bandeli, H; Elsan, M & Rezapour, B (2021). "The Effects of Mistake in Banking Payments". *Interdisciplinary Legal Research*, 1 (4): 77-93.



مقاله پژوهشی

(صفحات ۷۷-۹۳)

آثار اشتباه و خطا در پرداخت‌های بانکی

حسین خلیلی بندلی^۱، مصطفی‌السان^۲، بابک رضاپور^۳

۱. دانشجوی دکتری، گروه حقوق، واحد ارومیه، دانشگاه آزاد اسلامی، ارومیه، ایران.

۲. دانشیار، گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران. (نویسنده مسؤول)

Email: mostafaalsan@yahoo.com

۳. استادیار، گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، واحد ارومیه، دانشگاه آزاد اسلامی، ارومیه، ایران.

دریافت: ۱۳۹۹/۸/۱۵ ویرایش: ۱۳۹۹/۹/۱۸ پذیرش: ۱۳۹۹/۹/۳۰ انتشار: ۱۳۹۹/۱۰/۱۲

چکیده

زمینه و هدف: عملیات دریافت و پرداخت، بخش عمده‌ای از فعالیت‌های بانکی را تشکیل می‌دهند. بانک‌ها به طور روزمره با اشخاص و مشتریان مختلف درگیر هستند. تنوع شیوه‌های پرداخت و کثرت انجام آن در طول شبانه‌روز گاه موجب اشتباه در پرداخت و دارا شدن ناروای پول توسط شخص ثالث می‌شود. این مقاله انواع اشتباه در پرداخت و شیوه جبران آن را مورد بحث قرار داده است.

مواد و روش‌ها: روش تحقیق در این نوشتار، توصیفی-تحلیلی است.

ملاحظات اخلاقی: ملاحظات اخلاقی مربوط به نگارش متون و نیز ارجاع‌دهی به منابع رعایت گردید.

یافته‌ها: در جریان پرداخت‌های بانکی و بین بانکی در مواردی ممکن است، به جهت خطای نیروی انسانی یا اختلال در سیستم‌های رایانه‌ای پرداخت پول به ناروا صورت گیرد. در صورتی که بانک مسبب این پرداخت اشتباه باشد، رویه عملی بانک‌ها در چنین مواردی بدین گونه است که اگر دریافت‌کننده وجه ناروا نزد خود بانک، حساب و موجودی داشته باشد، بانک به استناد قراردادی که به هنگام افتتاح حساب با مشتری خود منعقد شده و یکی از مواد قرارداد منعقد این بوده که چنانچه وجهی به اشتباه به حساب وی واریز شود بانک می‌تواند رأساً وجه واریزی اشتباهی را مسترد نماید، وجه واریز شده را از حساب وی برداشت می‌نماید.

نتیجه‌گیری: پرداخت، اغلب با هدف ایفای تعهد انجام می‌گیرد. این تعهد ممکن است ناشی از قرارداد یا هر سبب تعهدآور دیگر باشد. در مفهوم عام، فرقی میان ایفای تعهد از طریق بانک یا غیر آن نیست فلذا تمامی پرداخت‌های اشتباه قابل بازگشت است.

کلمات کلیدی: بانک، پرداخت‌های بانکی، پرداخت به اشتباه، تعهد.

مقدمه

۱- بیان موضوع: عملیات دریافت و پرداخت، بخش عمده‌ای از فعالیت‌های بانکی را تشکیل می‌دهند. بانک‌ها به طور روزمره با اشخاص و مشتریان مختلف درگیر هستند. تنوع شیوه‌های پرداخت و کثرت انجام آن در طول شبانه‌روز گاه موجب اشتباه در پرداخت و دارا شدن ناروای پول توسط شخص ثالث می‌شود. این مقاله انواع اشتباه در پرداخت و شیوه جبران آن را مورد بحث قرار داده است.

۲- تبیین مفهوم: پرداخت در مفهوم عام آن، عبارت اخراج از اصطلاح «ایفاء» است. ایفاء در اصطلاح حقوقی به معنای «وفای به عهد» می‌باشد. مواد ۲۶۵ تا ۲۸۲ قانون مدنی به بحث وفای به عهد اختصاص یافته است. بررسی این مواد نشان می‌دهد در حقوق مدنی، ایفاء دارای مفهوم عام‌تری از پرداخت دیون پولی است و از این‌رو پرداخت هر نوع تعهدی، به‌عنوان وفای به عهد تلقی می‌شود. (شهبازی‌نیا و رزاقی، ۱۳۹۰: ۱۳۶) وفای به عهد یکی از شیوه‌ها و مهم‌ترین شیوه سقوط تعهد است. بدین معنا که با پرداخت، دین از بین می‌رود و متعهد، از تعهدی که بر دوش وی بوده، آزاد می‌شود.

پرداخت در حقوق بانکی و آنچه که در اینجا موضوع بحث ما است مفهومی محدودتر از وفای به عهد مذکور در قانون مدنی دارد. مقصود از «پرداخت‌های بانکی» هر نوع پرداختی است که برای انجام آن، شخص (مستری) با یک یا چند بانک ارتباط برقرار کرده و یا بانک‌های مختلف، تراکنش‌هایی را در رابطه با یکدیگر انجام می‌دهند.

بنابراین، آنچه که در این تحقیق مورد بررسی قرار می‌گیرد، پرداخت‌هایی از جنس «پول» است. بدین معنا که وسیله پرداخت‌های بانکی یا پول است و یا ابزارهای دیگری مانند چک، برات، سفته و غیره که اصولاً قابلیت تبدیل به پول را دارند. مفهوم پرداخت‌های بانکی، از مفهوم بانک و کارکردی که این نهاد در جامعه بر عهده دارد، به دور نیست زیرا، فقط پرداخت‌های پولی به بانک مربوط می‌شود. برای مثال، در قرارداد فروش چند دستگاه تلویزیون در برابر پول، بانک

نمی‌تواند تحویل تلویزیون (کالا) را بر عهده بگیرد. چنانچه گفته شد و بعداً نیز بیشتر مورد بررسی قرار خواهد گرفت، پرداخت‌های بانکی به معنای استفاده مستقیم و مداوم از «پول» به‌عنوان وسیله پرداخت نیست. در واقع، بخش عمده‌ای از پرداخت‌های بانکی از طریق ابزارهای جایگزین انجام می‌گیرد که نام پول بر آنها صدق نمی‌کند و تمام کارکردهای پول را نیز ایفاء نمی‌کنند.

صرف‌نظر از شیوه‌های مرسوم برای پرداخت و واسطه یا عواملی که در تحقق پرداخت ایفای نقش می‌کنند، پرداخت را به «اعطای معوض یا بدون عوض پول یا هر عملی که در مقام اجرای تعهدات پولی مورد ایجاب و قبول قرار می‌گیرد»، تعریف کرده‌اند. (بهمنی و بهمنی، ۱۳۸۴: ۲۰) بنابراین پرداخت در مفهوم عام، شامل ایفای هر نوع تعهدی با استفاده از پول یا کالا یا خدمات می‌شود و محدود به پرداخت‌های بانکی نیست. (Good, 1983: 50)

حتی در پرداخت‌های پولی هم، پرداخت معنای ایفای تعهد را دارد و لازمه آن، همیشه رد و بدل کردن پول نیست. از این‌رو، در صورتی که دو بانک با شبکه ساتنا یا شتاب، زمینه پرداخت دیون دو مشتری را فراهم سازند، پرداخت محقق شده است.

صرف‌نظر از ماهیت حقوقی پرداخت، در صورت دخالت بانک در این فرایند، فرض آن است که بانک نقشی جز واسطه‌گری ندارد و بنابراین، ایفای تعهد از سوی متعهد در برابر متعده‌له انجام می‌گیرد و بانک در پرداخت‌هایی که به قصد ایفای تعهد در مقابل اشخاص ثالث انجام می‌گیرد، نقشی جز وساطت و تسهیل انجام عمل ندارد.

یکی از شرایط مهم پرداخت، صرف‌نظر از شیوه‌ای که برای آن به کار می‌رود، غیر مشروط بودن آن است. در صورتی که شرطی در مقام پرداخت بیان شود، پرداخت یا اساساً تحقق نمی‌یابد و یا اینکه تحقق آن منوط به حاصل شدن شرط می‌شود. در پرداخت‌های بانکی به طور خاص، بانک‌ها جزء در مورد قراردادهای خاص مانند گشایش اعتبار اسنادی و ضمانت نامه‌های بانکی، از قبول پرداخت مشروط امتناع می‌کنند و یا به

شرطی که به هنگام پرداخت در اسناد مربوطه قید می‌شود، ترتیب اثر نمی‌دهند. (Good, 1983: 50)

۳- روش تحقیق: این پژوهش به صورت توصیفی-تحلیل نگارش شده است.

بحث و نظر

۱- انواع پرداخت‌های بانکی

بانک به عنوان مؤسسه انتفاعی به فعالیت‌هایی اشتغال دارد که به طور مستقیم از مصادیق موضوعات پولی، ارزی و بانکی هستند. بنابراین، برخلاف دیگر شرکت‌های تجاری، بانک نمی‌تواند موضوعاتی را به عنوان حرفه مقطعی یا معمول خود قرار دهد که از نظر عرفی در حوزه موضوعات مذکور نیستند. همین امر، قید مهمی به پرداخت‌هایی که بانک می‌تواند آنها را انجام دهد یا در تحقق آنها وساطت کند، وارد می‌سازد. پرداخت‌های بانکی را می‌توان به چهار دسته تقسیم‌بندی کرد:

اول، پرداخت‌هایی که در آن، بانک به عنوان واسطه پرداخت‌کننده و ذی نفع عمل می‌کند.

دوم، پرداخت‌هایی که در آن، بانک یکی از دو طرف پرداخت است. بدین معنا که بانک، پرداخت‌کننده یا دریافت‌کننده باشد. مانند اینکه بانک، وجه واریزی از سوی مشتری به حساب خود را دریافت کرده، اقدام به پرداخت وام به مشتری کرده یا از وی اقساط وام را دریافت می‌کند.

سوم، پرداختی است که در رابطه میان بانک‌ها انجام می‌گیرد. پایاپای و تسویه بین بانکی از جمله شیوه‌های کلان تسویه و پرداخت در رابطه بانک‌ها به شمار می‌آیند که با پیدایش گسترش شبکه‌های بین بانکی، هر روز توسعه بیشتری می‌یابد.

نوع چهارم پرداخت‌های بانکی، پرداختی است که در آن، یک بانک فقط به عنوان واسطه‌ای برای دست یافتن مشتری بانک دیگر به موجودی حساب خود در آن بانک عمل می‌کند.

(السان، ۱۳۹۷: ۳۰۱)

۲- واریز به اشتباه و آثار آن در پرداخت‌های بانکی

یکی از مباحث پیچیده در حقوق بانکی، اختلال‌ها و اشتباهاتی است که در جریان پرداخت‌های بانکی و بین بانکی، احتمال

بروز آن وجود دارد. خطای نیروی انسانی یا رایانه ممکن است پرداخت را ناممکن کند، آن را به تأخیر اندازد و یا بدتر از همه، باعث پرداخت ناروا شود. بدین معنا که پرداخت به شخصی انجام شود که استحقاق دریافت آن را نداشته است.

در موضوع اختلال و اشتباه در پرداخت‌های بانکی مسؤولیت دریافت‌کننده ناروا نسبت به آنچه که دریافت کرده یکی از قواعد عمومی پرداخت‌های بانکی است و بر اساس «قاعده منع دارا شدن ناعادلانه» تحلیل می‌شود. لیکن اینکه اگر پرداخت ناروا ناشی از قصور عامل انسانی باشد، مسؤولیت ناشی از آن بر عهده چه کسی قرار می‌گیرد، نیاز به بررسی دارد. به عبارت دیگر، آیا بانک باید نتیجه این قصور را بر عهده گیرد و پس از پرداخت وجهی که به ناروا از تصرف پرداخت‌کننده خارج شده به دریافت‌کننده ناروا مراجعه کند یا اینکه تکلیف مراجعه از همان ابتدا بر عهده مشتری بانک قرار می‌گیرد؟

به عنوان قاعده عمومی، مسؤولیت مراجعه بر عهده شخصی است که ایفای ناروا یا پرداخت به شخص غیرمستحق تحت هر عنوان با تقصیر یا قصور وی محقق شده است. بنابراین اگر توصیه‌های پرداخت‌کننده یا دستورهای وی موجب اشتباه عوامل بانک شده باشد، بانک مسؤولیتی را بر عهده نمی‌گیرد. همچنین، اگر دارنده واقعی یک سند قابل انتقال، با وجود آگاهی به سرقت یا جعل یا نبود فرصت کافی مبنی بر اینکه بانک را از این موضوع مطلع نماید و بانک نیز با رعایت تشریفات متعارف اقدام به پرداخت کند، مسؤولیتی متوجه بانک نخواهد بود.

در حقوق کشورمان، تنها مقررات اندکی، مسائل اختلال و اشتباه در پرداخت‌های بانکی را مورد توجه قرار داده‌اند. می‌توان ادعا کرد که بخش عمده‌ای از حقوق حاکم بر خطاهای رایانه‌ای یا اشتباه و تقلب در پرداخت، بر مبنای روش عملی محاکم و رویه قضایی و داوری توسعه یافته است. به همین دلیل ناگزیر از مراجعه به حقوق کشورهای دیگر خواهیم بود.

(کاتوزیان، ۱۳۸۸: ۳۹۵/۱)

۲-۱- تعریف اشتباه

اشتباه در اصطلاح، عبارت است از خطا در شناخت و اعتقاد بر خلاف واقع. اشتباه پندار نادرستی است که انسان از واقعیت پیدا

می‌کند. به بیان دیگر، اشتباه نمایش نادرست واقعیت در ذهن است و در شمار پدیده‌های روانی می‌آید. در حقوق نیز اشتباه معنای خاصی ندارد و به اعتبار موضوع آن در زمره مسائل این علم قرار می‌گیرد. (کاتوزیان، ۱۳۸۸: ۳۹۵/۱)

اثر اشتباه در حقوق و تکالیف اشخاص چهره‌های گوناگون دارد. یکی به اشتباه ملک دیگری را تصرف می‌کند؛ دیگری به اشتباه خود را مدیون می‌پندارد و پولی را می‌پردازد؛ سومی به اشتباه با زنی که بر او حرام است نکاح می‌کند؛ دیگری به اشتباه مال کسی را از بین می‌برد؛ پزشکی به اشتباه بیماری را می‌کشد؛ خریدار گندمی به اشتباه جو می‌خرد و مردی به اشتباه مالی را به زن بیگانه‌ای می‌بخشد.

اشتباهی، اراده را معلول می‌کند که به هنگام تصمیم گرفتن رخ دهد، وگرنه، هرگاه خطایی در بیان اراده اتفاق افتد، در اصل اراده اثر ندارد. چنین خطایی باید اصلاح شود و نتواند گوینده را پای‌بند سازد. برای مثال، فروشنده‌ای که بهای کالای خود را بجای هزار تومان، هزار ریال معین می‌کند و در دید عرف و با توجه به قرائن، مسلم است که اشتباه تنها در بیان اراده رخ داده است، حق دارد آن را تصحیح کند. (کاتوزیان، ۱۳۸۸: ۳۹۵/۱)

اشتباه از جمله اموری است که جلوی تأثیر اراده را می‌گیرد و مانع تشکیل عقد می‌گردد و ناشی از عدم انطباق مقصود با واقع است. از آنجایی که در پرداخت‌های بانکی، شخص طرف واریز برای واریز کننده وجه بسیار حائز اهمیت و علت عمده می‌باشد و منظور از «شخص» نیز انسان مشخص و معین است و مقصود از «شخصیت» در معنای مطلق نیز، مجموع اوصاف و عوارضی است که یک فرد انسانی را از افراد دیگر متمایز می‌سازد، (شهیدی، ۱۳۹۰: ۱۶۶) فلذا هرگونه اشتباه در شخص گیرنده وجه اعم از اینکه این اشتباه از ناحیه بانک باشد یا مشتری، وفق ماده ۲۰۱ قانون مدنی این پرداخت باطل بوده و بایستی به حالت قبل اعاده گردد.

اشتباه مربوط به طرف را می‌توان به دو گونه اشتباه در شخص طرف و اشتباه در شخصیت طرف، تفکیک کرد. (شهیدی، ۱۳۹۰: ۱۶۷) اشتباه در شخص طرف در صورتی واقع می‌شود

که اشتباه کننده، شخص معینی را با شخص معین دیگر اشتباه بگیرد. برای مثال، شخص «الف» مبلغی را از طریق دستگاه خودپرداز (ATM) به حساب گیرنده به گمان اینکه حساب برادرش می‌باشد واریز می‌کند و پس از پرداخت متوجه می‌شود که حساب گیرنده متعلق به شخص دیگری که با برادر او تشابه اسمی داشته، بوده و واریز به اشتباه صورت گرفته است. اشتباه در شخصیت در صورتی که شخصیت به معنای مجموعه اوصاف شخص حمل گردد، همان اشتباه در شخص است، زیرا شخص، همان فرد دارای مجموع اوصاف و عوارض خاص است. اما در صورتی که شخصیت به معنای برخی از اوصاف شخص، در نظر گرفته شود، اشتباه در شخصیت، در حقیقت اشتباه در وجود یک یا چند وصف مشخص در طرف معامله می‌باشد، مانند اینکه شخص «الف» به گمان اینکه شخص «ب» فردی نیازمند و مستمند می‌باشد پولی را به حساب بانکی وی واریز می‌کند و بعد از واریز متوجه می‌شود که شخص «ب» نه تنها نیازمند نبوده بلکه شخص متمکنی نیز می‌باشد. در ماده ۲۰۱ قانون مدنی، دو واژه شخص و شخصیت به کار رفته است، که واژه شخصیت را به قرینه واژه شخص، باید به معنای مجموع صفات شخصی فرد معین تفسیر کرد. به این ترتیب مورد ماده مذکور، منحصراً اشتباه در شخص طرف معامله می‌باشد و از اشتباه در شخصیت به معنی برخی از اوصاف مشخص، ذکری به میان نیامده است. (کاتوزیان، ۱۳۸۲:

۲۴۴)

۲-۲- مبانی اثر اشتباه

برای اثبات لزوم اشتباه در همه موارد، از راه‌های گوناگون استدلال شده است. این راه‌حل‌ها بیشتر مربوط به مبنایی است که برای ایفاء ناروا برگزیده شده است.

گروهی که ایفاء ناروا را از مصداق‌های «استفاده بدون جهت» می‌شمرند و جهت را به معنی «علت غایی» و هدف از عمل حقوقی می‌گیرند، اعتقاد دارند که «وفای به عهد» یک عمل ارادی است و هدف پرداخت‌کننده و اراده او «جهت» آن است. پس، برای اینکه ایفاء بدون جهت و ناروا باشد، باید عاملی این

اراده را معیب کند یا از بین ببرد. (محقق داماد و عیسایی تفریسی، ۱۳۸۸: ۲۱)

بعضی نیز برای ایجاد هماهنگی بین قواعد حاکم بر موارد گوناگون گفته‌اند: وفای به عهد نوعی تراخی یا حداقل از اقسام اعمال حقوقی است که اراده در آن نقش اساسی دارد و همین عامل پرداخت را موجه می‌سازد. پس، هرگاه اراده به خودی خود یا از لحاظ اشتباه در «جهت» آن فاسد باشد، پرداخت‌کننده حق دارد آنچه را تأدیه کرده است بازستاند. (کاتوزیان، ۱۳۸۲: ۲۴۴)

ولی اگر مبنای ایفاء ناروا مخلوطی از استفاده بدون جهت و استیلا نامشروع بر مال دیگری باشد، در مرحله ثبوت نباید اشتباه پرداخت‌کننده از ارکان آن به‌شمار آید. (کاتوزیان، ۱۳۸۲: ۲۴۵) زیرا عمد در این اقدام و آگاهی از نبودن دین نیز سبب مشروع برای خوردن مال کسی نیست. با وجود این، در مرحله اثبات، وجود اشتباه در جهت پرداخت نشان می‌دهد که ایفاء کننده قصد پرداخت دین خود یا دیگری یا وام دادن یا ودیعه نهادن را نداشته است. بی‌گمان، برای احراز این امر که پرداخت‌کننده قصد بخشش نداشته است، نیازی به اثبات نیست زیرا اماره مندرج در ماده ۲۶۵ ق.م.جائشین آن می‌شود و جمله «ظاهر در عدم تبرع است» گیرنده را در این نزاع مدعی قرار می‌دهد. ولی، چون هر پرداختی ظهور در وفای به عهد و وجود دین دارد، اثبات اشتباه می‌تواند خلاف این اماره را نشان دهد و مجوز پس گرفتن پولی شود که پرداخته شده است. پس، با اینکه اشتباه از ارکان دعوی استرداد نیست، در عمل برای اینکه پرداخت‌کننده ثابت کند دینی نداشته است، ناچار باید وجود اشتباه را در دادگاه مدلل دارد، وگرنه در برابر اماره ماده ۲۶۵ محکوم به شکست می‌شود.

۲-۳- مفهوم واریز به اشتباه در پرداخت‌های بانکی

در مواردی ممکن است بانکی که به اشتباه وجهی را پرداخت کرده است، هیچ عذری در برابر مشتری نداشته باشد. پرداخت دو برابر به دلیل اشکال در سامانه رایانه‌ای یا شبکه خودپرداز و نیز کارسازی چک به رغم دستور واجد شرایط صادرکننده یا ذی نفع ثالث بر نپرداختن آن، از این قبیل موارد به شمار می‌آید. در

این گونه از اشتباه‌ها، بانک چاره‌ای جز رجوع به شخصی که به ناروا وجهی را دریافت کرده، ندارد و معمولاً این مراجعه از طریق مصالحه یا طرح دعوا در دادگاه صورت می‌گیرد. (بهمنی و غفاری، ۱۳۸۴: ۶۵)

لیکن پرسش این است که آیا بانک می‌تواند در مواردی که دریافت‌کننده (ناروا) در آن بانک حساب دارد، با احراز اشتباه از طریق اسناد بانکی موجود، به اندازه مبلغی که اشتباه شده از حساب وی کسر کند و در نتیجه وجهی را که به ناروا پرداخت شده، به دارایی بانک بازگرداند؟

پاسخ مثبت به این پرسش، از آن جهت تقویت می‌شود که صرف اشتباه در وارد کردن شماره حساب از سوی کارمند بانک، نباید بانک را مجبور سازد تا برای امر مسلم به دادگاه مراجعه کند. در همان حال، این پاسخ متضمن دو اشکال عمده است. اول اینکه، آیا بانک می‌تواند بدون اطلاع مشتری (دریافت‌کننده ناروا)، به حساب وی دست ببرد و مبلغ مورد اشتباه را از حساب وی کسر کند؟ دوم اینکه، اگر این اقدام مجاز شناخته شود، از نظر حقوقی چه ماهیتی دارد؟

روش عملی بانک‌ها این است که به مشتری اطلاع می‌دهند و رضایت وی را در برگه ای اخذ می‌کنند. بی‌گمان اگر اشتباه در همان مراحل اولیه کشف شود و امکان بازگشت وجود داشته باشد، کارمندان بانک بدان اقدام می‌کنند. از نظر ماهیت حقوقی نیز گفته شده که این کار به‌مثابه نمایندگی بانک از دارنده حسابی تلقی می‌شود که وجه ناروا به آن واریز شده است. (خاوری، ۱۳۸۲: ۹۱)

مشکل وقتی مضاعف خواهد شد که دریافت‌کننده ناروا، وجه مذکور را از حساب خود برداشت کرده و یا اینکه پرداخت ناروا با وساطت یک بانک انجام شده باشد. در مورد اخیر، برای مثال شخصی از کرمانشاه با استفاده از حواله، به حساب یک نفر در تبریز پول واریز می‌کند لیکن بعداً معلوم می‌شود که آخرین رقم شماره حساب اشتباه بوده و پول به حساب مشتری دیگری در بانک مقصد یا بانکی در شهر دیگری واریز شده یا اشتباه مشابهی در سامانه شتاب رخ می‌دهد.

بدون دلیل مبلغی را از دست داده، اصولاً منتظر اقدام بانک می‌شود و شخصاً در این خصوص اقدام نمی‌کند مگر اینکه بانک، منطقی برای اقدام خود در پرداخت به گیرنده وجه و یا بستنکار کردن حساب وی داشته باشد که در آن صورت، مشتری باید رأساً علیه گیرنده وجه طرح دعوا کند. برای مثال، اگر بانک مدارکی ارائه کند که دستور عدم پرداخت صادرکننده چک یا ذی نفع، پس از پرداخت به بانک ارائه شده قطعاً بانک در این خصوص مسولیتی نخواهد داشت.

در عمل، بانک‌ها با دو نوع اشتباه در پرداخت روبه‌رو هستند. در گروه اول، اشکال، نقص یا خطای سامانه الکترونیکی بانک موجب مسائلی همچون کسر از حساب بدون پرداخت یا به‌رغم انصراف متقاضی یا عدم دریافت، کسر از حساب و غیره می‌شود. در حالی که در گروه دوم، پرداخت ناروا به موجب اسناد بانکی همچون چک قرار دارد. در تمامی این موارد، بانک‌ها اغلب بدون مقاومت، وفق بند (ج) ماده ۳۵ قانون پولی و بانکی کشور اقدام به جبران خسارت ذی نفع واقعی می‌کنند. بی‌گمان ممکن است ادعاهایی همچون تردید در ذینفع بودن شخص مراجعه کننده یا قابل کشف نبودن اشکال/اشتباه ادعایی ذینفع، عملاً وی را ناچار از طرح دعوا کند. (السان، ۱۳۹۲: ۶۴۲)

در تمام موارد ایفای ناروا از سوی بانک، میان حالتی که گیرنده وجه نیز همانند بانک از ناروایی آن ناآگاه است و حالتی که گیرنده به هر دلیل (از جمله علم به اشتباه بانک، علم به مسدود بودن حساب صادر کننده، علم به تقلبی بودن امضای چک و غیره)، عالم به ناروایی پرداخت است، هیچ تفاوتی وجود ندارد چرا که در هر دو حالت، وفق نص صریح ماده ۳۰۲ قانون مدنی، ید گیرنده وجه نسبت به وجه دریافتی فارغ از اینکه عالم یا جاهل به استحقاق یا عدم استحقاق خود باشد، ضمانی است و بانک می‌تواند با اثبات واریز اشتباهی، تمام خساراتی را که به سبب این پرداخت اشتباهی به بار آمده پس از اثبات از وی مطالبه کند و معیار تعیین میزان مسؤلیت متصرف، ضرری است که به مالک (پرداخت‌کننده) وارد شده و نه منفعتی که او از تصرف برده است. (کاتوزیان، ۱۳۸۲: ۶۴۹)

در صورت اشتباه بانک در پرداخت، قواعد عمومی ایفای ناروا اعمال می‌شود و از این‌رو از نظر قضایی موضوع همانند سایر موارد ایفای ناروا بررسی می‌شود. از آن جهت که اشتباه بانک موجب دارا شدن ناعادلانه دریافت‌کننده شده است، چنین مبلغی از باب دارا شدن ناعادلانه قابل استرداد است. به محض تحقق چنین پرداختی، دعوی آن قابل طرح است و چنانچه از زمان مطالبه تا زمان صدور حکم، خسارتی به مبلغ ناروا تعلق گرفته باشد، بانک یا دارنده قانونی می‌تواند استرداد آن را نیز از دریافت‌کننده ناروا مطالبه کند. اگر بروز اشتباه ناشی از سهل‌انگاری مشتری در درج شماره حساب درست، نام درست دریافت‌کننده و غیره باشد، بانک از پذیرش مسؤلیت چنین اشتباهی به استناد فرم پر شده از سوی مشتری خودداری خواهد کرد، لیکن پرسش آن است که اگر بانک در واریز سود بانکی متعلق به حساب شخص معین اشتباه کرده باشد و آن را به جای حساب «الف» به حساب «ب» واریز کند، آیا علاوه بر بانک، ذی نفع واقعی وجه واریز شده «الف» نیز حق مطالبه مبلغ مذکور را دارد؟

از طرف دیگر در حقوق کشورمان پاسخ به سوال اخیرالذکر نیز با توجه به ماده ۲ قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مثبت است اما واقعیت آن است که در چنین مواقعی که مشتری از این گونه اشتباه‌های بانکی دچار خسارت می‌شود مستقیماً به بانک مراجعه و بانک نیز در راستای بند (ج) ماده ۳۵ قانون پولی و بانکی کشور مصوب ۱۳۳۹ نسبت به جبران خسارات وارده ناشی از اشتباه صورت گرفته مبادرت می‌نماید. (بهمنی و غفاری، ۱۳۸۴: ۶۵)

در شرایط عمومی حساب‌های مختلف که به صورت فرم از سوی بانک تهیه می‌شود و در اختیار مشتریان قرار می‌گیرد، حق برداشت مبالغی که به اشتباه به حساب مشتریان خود همان بانک واریز می‌شود و همچنین حق برداشت کارمزد، بدون اجازه قبلی مشتری، برای بانک شناخته می‌شود. توجیهی که برای بازگشت مبلغ اشتباهی از حساب می‌توان ارائه کرد، پیشگیری از دارا شدن ناعادلانه است. شخصی که در یک عملیات بانکی،

۲-۴- پرداخت به اشتباه در قوانین موضوعه

در قانون مدنی «استیفاء» از منابع تعهد است. عنوان «استیفاء» نیز در فصل مربوط به ضمان قهری آمده است. (بند ۴ ماده ۳۰۷) و نباید آن را به منبعی قراردادی منتسب کرد. درست است که در مواد ۳۳۶ و ۳۳۷ به مفهومی محدود به استیفاء اشاره شده و حکم قانون ناظر به مواردی است که بهره‌برداری از مال یا کار دیگری با اقدام خود او انجام می‌شود، لیکن این اقدام گاه به تراضی نمی‌انجامد و استفاده را ناروا می‌سازد. از نظر انصاف نیز تفاوتی نمی‌کند که استفاده ناروا به امر یا اراده استفاده کننده انجام شود یا در نتیجه اقدام شخص ثالث یا حادثه خارجی. آنچه در این زمینه مورد توجه قرار می‌گیرد، بر هم خوردن تعادل بین داری‌ها و به‌ویژه جبران وضع ناهنجار کسی است که به زیان او استفاده صورت پذیرفته و از این دیدگاه، اهمیتی ندارد که آیا در راه استفاده به ناحق خطایی تحقق یافته یا اعمال ارتکاب یافته مشروع بوده است و نیز اهمیتی ندارد که وسیله بهره‌برداری شخص استفاده کننده باشد یا دیگری.

از طرف دیگر بر اساس ماده ۳۰۱ قانون مدنی، «کسی که عمداً یا اشتبهاً چیزی را که مستحق آن نبوده است دریافت کند، ملزم است که آن را به مالک تسلیم کند». مفاد ماده ۳۰۱ قانون مدنی، با عبارت دیگر در ماده ۳۰۲ بیان شده است. «اگر کسی که اشتبهاً خود را مدیون می‌دانست آن را تأدیه کند، حق دارد از کسی که آن را بدون حق اخذ کرده است استرداد نماید». بنابراین پرداخت ناشی از اشتباه یا خطا، گیرنده وجه را مالک نمی‌سازد و وی ملزم به استرداد آن خواهد بود. در صورتی که با تقاضای بانک یا ذی‌حق از این کار امتناع کند، شیوه قضایی برای الزام وی به استرداد آنچه که به ناحق دارا شده، در پیش گرفته خواهد شد. (السان، ۱۳۹۰: ۶۶)

پس در موردی که دریافت کننده طلبکار است ولی شخصی غیر از مدیون به اشتباه آن را می‌پردازد، مانند اینکه ورثه‌ای نمی‌داند که تنها به میزان ماترکی که به ارث برده است در مقابل دیون مورث خود متعهد به پرداخت است و به اشتباه و بدون اینکه قصد پرداخت تمام دیون مورث خود را بیش از آنچه که

به‌عنوان ماترک برده داشته باشد، تمام آن را می‌پردازد. در این فرض آنچه بیش از ماترک دریافتی پرداخته شده ایفاء ناروا است و باید بازگردانده شود. قید اشتبهاً در ماده ۳۰۲ نیز برای این است که اگر کسی دانسته و با آگاهی از اینکه مدیون دیگری است آن را بپردازد، حق بازستاندن ندارد زیرا «ایفاء دین از جانب غیر مدیون هم جایز است». (ماده ۲۶۷ قانون مدنی)

همچنین مفاد ماده ۳۱۹ قانون تجارت نیز دلیل دیگری بر اصل استیفای نامشروع به‌عنوان منبع تعهد است. زیرا در ماده مذکور می‌خوانیم: «اگر وجه برات یا فته طلب یا چک را نتوان به‌واسطه حصول مرور زمان پنج ساله مطالبه کرد، دارنده برات یا فته طلب یا چک می‌تواند تا حصول مرور زمان اموال منقوله وجه آن را از کسی که به ضرر او استفاده بلاجهت کرده است مطالبه نماید.»

اما با توجه به سندی که در بانک به پرداخت کننده داده می‌شود و یا رسیدی که دستگاه خودپرداز یا سامانه اینترنتی به‌صورت خودکار و پس از انجام فرایند پرداخت به انتقال دهنده می‌دهد، اثبات این امر که پرداخت به حساب معین انجام گرفته، آسان است. در همان حال، اثبات دریافت وجه یا وصول به حساب گیرنده وجه یا مخاطب انتقال برای استرداد آنچه پرداخت شده، کافی نیست. زیرا قسمت نخست ماده ۲۶۵ مقرر می‌دارد: «هر کس مالی به دیگری بدهد، ظاهر در عدم تبرع است». یعنی اصل بر آن است که پرداخت کننده در مقام ایفای دین و به طور کلی با یک علت متعارف اقدام به پرداخت کرده و اثبات خلاف آن (اینکه پرداخت اشتباه بوده) بر عهده خود او است. اماره ید دریافت کننده، تا زمانی که دلیل مغایری نباشد، دلیل مالکیت وی به‌شمار می‌آید و نیز اصل عدم اشتباه، استدلال فوق را تأیید می‌کند. (در اینکه آیا دادن چیزی به دیگری اماره وجود دین به او است و پرداخت کننده باید دلیل برائت ذمه بدهد تا بتواند آن را استرداد کند، یا اصل برائت است و مدعی اشتغال ذمه باید دلیل بیاورد وگرنه محکوم به رد چیزی است که گرفته، اختلاف است و به نظر می‌رسد که رویه قضائی متمایل بر این است که پرداخت کننده و مدعی استرداد موظف به آوردن دلیل برای اثبات عنوانی است که بازپس گرفتن مال را توجیه کند. (کاتوزیان، ۱۳۸۳: ۲۳۹)

شد، با اصول حقوق مدنی در خصوص ایفای تعهد نیز سازگار است. (بهمنی و غفاری، ۱۳۸۴: ۶۵)

در کشورمان، مقررات موجود نشان می‌دهد که چنین روشی شکل گرفته است. بنابر تبصره ماده ۳۸ موافقتنامه ساتنا، «در صورتی که واریز وجه به حساب ذینفع نهایی به علت بسته بودن حساب یا نادرست بودن مشخصات تعیین شده در دستور پرداخت امکان‌پذیر نباشد، عضوی که دستور پرداخت به نفع وی صادر شده، مکلف است طی یک روز کاری نسبت به صدور دستور پرداخت به نفع صادرکننده اقدام کند.» بنابراین، پرداخت اشتباه، بانک دریافت‌کننده را ملزم به استرداد آنچه که به اشتباه پرداخت شده می‌سازد. در ساتنا، بازپرداخت این مبلغ از بانک ذینفع (گیرنده) به بانک صادرکننده (بانکی که پرداخت از آن شروع شده)، انجام می‌شود و بانک اخیر، وجه را به حساب شخص پرداخت‌کننده باز می‌گرداند.

۳- صور مختلف واریز به اشتباه در پرداخت‌های بانکی

بهترین مبنا برای استرداد وجهی که به اشتباه پرداخت شده، دارا شدن ناعادلانه است. بنابراین کسی که از حساب وی پرداخت شده و مدعی اشتباه یا ناروایی پرداخت است، باید ارکان دارا شدن ناعادلانه را اثبات کند. (السان، ۱۳۹۰: ۶۳)

۳-۱- اشتباه یا خطای صاحب حساب (صادرکننده چک)

مانند اینکه از دسته چک به سرقت رفته، چکی از آن کنده شده باشد و با امضایی تقلبی، مشابه امضای صادرکننده (دارنده دسته چک)، به نحوی که در عمل بانک قادر به تشخیص آن نباشد، برای پرداخت به بانک تسلیم شود. در این مورد، صادرکننده وفق قاعده اقدام، به دلیل سهل‌انگاری و بی‌احتیاطی در نگهداری دسته چک و اعلام نکردن مفقودی آن به بانک، موجب از بین رفتن حرمت مالش شده پس بدین ترتیب مشارالیه مسؤول اشتباه خویش بوده و بانکی که با اعتماد به ظواهر اقدام به پرداخت کرده مسؤولیتی ندارد و مالک وجه می‌تواند برای استرداد مال خود و منافع تفویض شده از گیرنده ناروا وفق مواد ۳۰۱ و ۳۰۲ قانون مدنی اقدام نماید. (السان، ۱۳۹۰: ۶۴)

ماده ۳۵ قانون مدنی، در تأیید اماره تصرف تصریح می‌کند: «تصرف به‌عنوان مالکیت، دلیل مالکیت است، مگر اینکه خلاف آن اثبات شود.» این تصرف، تا زمانی که ثابت شود ناشی از سبب مملک یا ناقل قانونی نبوده، معتبر خواهد بود. (ماده ۳۶ ق.م) بنابراین (ارائه دلیل دیگری برای اثبات مالکیت متصرف، علاوه بر تصرف به‌عنوان مالکیت، لازم نیست و دهنده مال باید برای استرداد مال مورد تصرف، مالکیت و استحقاق فعلی خود را اثبات کند.) (شهیدی، ۱۳۷۷: ۲۴) با وجود موارد فوق و توضیحات مربوط به آنها، مقررات خاص و نیز روش بانکی می‌تواند با تدوین موازین و معیارهای مناسب، میزان دعاوی مربوط به استرداد مبالغی که به اشتباه به حساب اشخاص واریز می‌شود، یا در شرف واریز به حساب آنها قرار دارد را به حداقل برساند. اثبات این امر با توجه به ماده ۲۶۵ که در عمل به تعارض اماره ید و ظاهر عدم تبرع اشاره دارد، در دادگاه خواهد بود.

وقتی مبلغی به اشتباه به حساب شخصی واریز شود، از یک‌سو وی شرعاً و قانوناً حقی نسبت به آنچه پرداخت شده ندارد و از سوی دیگر، عرفاً مدتی به طول می‌انجامد که وی از انجام این فرایند و بستن‌کار شدن (ناروایی) حساب خود آگاه شود. بنابراین بانک می‌تواند با احراز اشتباه کارمند خود، خطای رایانه‌ای یا اشتباه پرداخت‌کننده در تکمیل بخشی از فرم‌ها و فیش‌های مربوط، فرایند انتقال را بدون اینکه نیاز به مراجعه به تشریفات طولانی و هزینه‌بر محاکم قضایی باشد، لغو کند.

در مورد پرداخت‌های بانکی، استرداد مبلغ پرداخت شده مستلزم طی تشریفات است که گاه طولانی است. وقتی انتقال وجوه بر مبنای دستورالعمل صدور دستور پرداخت و انتقال وجوه انجام می‌شود لغو و ابطال دستور پرداخت یا ابطال کل فرایند پرداخت، مستلزم رعایت مفاد دستورالعمل است. مطابق با ماده ۳۴ دستورالعمل مذکور، ابطال دستور پرداخت تصدیق شده، نیازمند حکم دادگاه ذی‌صلاح است. در واقع، در مواردی که شخص دریافت‌کننده (به ناروا) حاضر به استرداد وجه دریافتی نمی‌شود، چاره‌ای جز طرح دعوا باقی نمی‌ماند. آنچه در عبارت اخیر گفته

۳-۲- اشتباه بانک

مانند اینکه امضای روی ورقه چک تفاوت فاحشی با امضای صاحب حساب داشته باشد و با این وجود، صندوق‌دار بانک اقدام به پرداخت آن کند. به بیان دیگر، در مواردی که صورت و مندرجات چک تقلبی به نحوی است که عرفاً کارمند با مشاهده آن متوجه تقلب می‌شود، در این حالت، بانک نمی‌تواند اقدام به پرداخت کند. چرا که شخص را نمی‌توان ملزم به چیزی کرد که آن را امضاء نکرده است و نیز اینکه چنین ورقه‌ای که به طور غیرقانونی امضاء شده، هیچ ارزش مالی ندارد. این حکم در جایی نیز اعمال می‌شود که اگرچه امضای روی چک به صادرکننده قانونی تعلق دارد، لیکن در مفاد و محتویات آن تغییر و تحریفی انجام گرفته است. (بهمنی و غفاری، ۱۳۸۴: ۶۵)

البته گاه تشخیص تغییر و تحریف در رابطه دارنده چک و متصدی بانک بحث‌هایی را ایجاد می‌کند. برای مثال، اگر امضای چک با خودکار آبی و سایر مفاد آن با خودکار مشکی باشد، نمی‌توان با مقایسه امضاء به دست‌خط صادرکننده پی برد و این تردید که مفاد چک بعداً توسط شخص دیگری تکمیل شده باشد، مطرح می‌شود. در این موارد، هیچ نص قانونی برای اعتماد کارمند بانک به درستی امضاء و سرایت آثار آن به مندرجات چک یا امتناع وی از پرداخت و راهنمایی کردن دارنده به گرفتن توضیح و امضای صادرکننده در مورد اختلاف رنگ قلم در صورت چک وجود ندارد.

پس اگر بر اثر عمد یا بی‌احتیاطی کارمند بانک وجهی به اشتباه پرداخت شده باشد، همانطور که گفته شد در چنین مواردی بانک وفق تکلیف قانونی خود موضوع بند (ج) ماده ۳۵ قانون پولی و بانکی کشور مصوب ۱۳۳۹ ابتدا نسبت به جبران خسارت وارده به شخص زیان دیده مبادرت و سپس بانک برای جبران ضرر خود به کارمند خاطی و بی‌احتیاط خود مراجعه و در این حالت کارمند موصوف ناگزیر از رجوع به گیرنده وجه ناروا خواهد شد.

۳-۳- خطای صاحب حساب و بانک (هردو)

در صورتی که هم صاحب حساب و هم بانک مرتکب خطا شده باشند، تشخیص اینکه مسئولیت ایفای ناروا بر عهده چه کسی

نهاده می‌شود، بسیار دشوار است. برای مثال، صادرکننده چک سفید امضایی را در صندوق خود می‌گذارد و کارمند وی بدون اطلاع او، محتوای چک را تکمیل می‌کند و با قلم خوردگی در تاریخ صدور به بانک ارائه می‌دهد و صندوق‌دار بانک، بدون توجه به قلم خوردگی در متن چک (که عرفاً باید در پشت چک با قید امضای صادرکننده توضیح داده شود)، اقدام به پرداخت آن می‌کند.

در این حالت، هر چند رویه عملی بانک‌ها پذیرش تمامی مسؤولیت اشتباه صورت گرفته می‌باشد و نسبت به جبران خسارت شخص زیان‌دیده علیرغم اینکه بخشی از اشتباه حادث شده مستند به فعل او بوده اقدام می‌کنند، اما انصاف، اخلاق و عدالت قضائی حکم می‌کند که در چنین مواردی خسارت بین این دو توزیع شود و عادلانه‌تر اینکه، در چنین وضعیتی، برای تعیین میزان مسؤولیت و متعاقباً توزیع خسارت میان مسؤولین، بایستی به نوع اشتباه و میزان تأثیر آن در خطای صورت گرفته توجه ویژه کرد هرچند برای رهایی از دشواری تعیین سهم هر کدام نیز پیشنهاد شده است که خسارت به برابری تقسیم شود. (باریکلو، ۱۳۸۷: ۳۱)

۳-۴- ناروایی پرداخت به دلیل فعل ثالث

در مواردی ممکن است اشتباهی از سوی بانک یا صاحب حساب صورت نگرفته باشد ولی با این حال به دلیل دخالت متقلبانه یا من غیر حق ثالث، پرداخت ناروا شود. برای مثال، در جریان گردش تجاری چک، پس از چند بار پشت نویسی، شخصی چکی را از حامل سرقت کرده و برای دریافت وجه آن به بانک مراجعه می‌کند. چنانچه پیش‌تر بررسی شد، مبنای مطالبه در این موارد دارا شدن ناعادلانه است و ذینفع باید دعوای خویش را علیه شخصی که به زیان او و به ناحق دارا شده در دادگاه صالح طرح کند.

اما سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود، این است، در چنین وضعیتی چه کسی حق اقامه دعوا دارد، صاحب حساب یا بانک؟ چنانچه بیان شد از آنجایی که صاحب حساب وجه خود را تحت عنوان قرض تحویل بانک نموده و از طرف دیگر با توجه به اینکه وجه دریافت شده به مالکیت بانک در می‌آید و بانک

احراز نشود. زیرا، تنها در این صورت است که پرداخت ناروا جلوه می‌کند و تملک بدون سبب می‌ماند. فرضی که هیچ‌گاه پرداخت‌کننده دینی نداشته است، مانند اینکه ورثی به گمان مدیون بودن مورث آن را بپردازند، یا دینی پرداخته شود که به دلیل ساقط شده است. (مانند وصیت رجوع شده) با وجود این، هرگاه شرط تعلیق پس از تأدیه دین محقق شود، پرداخت‌کننده نمی‌تواند آن را مسترد کند.

پس در مفهوم «ایفاء» باید دین یا تعهدی باشد تا وفای به آن معنی پیدا کند. اگر شخصی بدین پندار که به دیگری مدیون است مالی به او بدهد و در واقع دینی وجود نداشته باشد، گیرنده مال نمی‌تواند به ناروا آن را تصاحب کند و بایستی به مالک بازگرداند. لذا وفق قسمت دوم ماده ۲۶۵ قانون مدنی که نتیجه بخش اول ماده می‌باشد، منظور قانونگذار این بوده که هر کس مالی به دیگری بدهد ظاهر در این است که دینی را می‌پردازد و از بررسی آراء دادگاه‌ها نیز چنین بر می‌آید که رویه قضائی تمایل به همین تفسیر دارد و در دعوی استرداد و به هنگام اختلاف در پس گرفتن وجه پرداخت شده به اشتباه، پرداخت‌کننده را مدعی می‌شمارد.

۵- اثر تدلیس در واریز به اشتباه در پرداخت‌های بانکی

تدلیس به معنی فریب دادن و پنهان کردن واقع است. پس به‌طور اجمال عناصر و شرایط تحقق تدلیس عبارت است از اینکه اولاً عملیاتی باید انجام شود و ثانیاً این عملیات موجب فریب طرف معامله شود. پس اگر پرداخت‌کننده به وسایل دیگری نیز عدم وجود دین یا عیب رضای خود را اثبات کند، همان نتیجه ثبوت اشتباه به بار می‌آید و حق استرداد ایجاد می‌شود. برای مثال، هرگاه معلوم شود که پرداخت‌کننده در نتیجه تدلیس و حيله گیرنده پولی را واریز کرده است، اماره دین از بین می‌رود و او می‌تواند آنچه را به ناحق داده است باز ستاند. به بیان دیگر، اشتباه راهی برای اثبات نبودن دین و ناروایی ایفاء است و هیچ مانعی وجود ندارد که پرداخت‌کننده از راه‌های دیگری همچون تدلیس به همان نتیجه برسد. (کاتوزیان، ۱۳۸۲: ۲۴۶)

مکلف است به محض مطالبه و درخواست صاحب قرض، مثل آن را (نه عین) مسترد نماید، لذا با توجه به ذینفع بودن صاحب وجه و بانک نسبت به مبلغ پرداخت شده به اشتباه و با عنایت به ماده ۲ قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی هر یک از آن دو می‌تواند دعوی استرداد را مطرح نماید. هرچند رویه عملی بانک‌ها در چنین مواقعی عدم قبول هرگونه مسؤولیتی در خصوص وجه پرداخت شده به ناروا می‌باشد. (باریکلو، ۱۳۸۷: ۳۱)

۴- شرایط تحقق واریز به اشتباه

۴-۱- لزوم تسلیم

برای تحقق ایفاء ناروا، باید مالی که گیرنده استحقاق آن را ندارد به او تسلیم شود، خواه این مال پول یا کالای معین باشد. همین عامل است که «ایفاء ناروا» را از احکام عمومی مربوط به «استفاده بدون سبب» جدا می‌کند و به «غصب» نزدیک می‌سازد. زیرا شرط تحقق آن وجود استیلائی نامشروع بر مال دیگری است، در حالی که ضمان ناشی از استیفاء چنین شرطی ندارد. بنابراین، هرگاه کسی به پندار وجود دین خدمتی برای دیگری انجام دهد، برای گرفتن عوض آن نمی‌تواند دعوی «ایفاء ناروا» طرح کند و ناچار باید مینا را «استفاده» بدون سبب قرار دهد. (کاتوزیان، ۱۳۸۲: ۲۳۷)

باید افزود که تسلیم مال باید به‌عنوان «وفای به عهد» باشد، وگرنه هرگاه کسی پولی را به‌عنوان قرض یا پیش پرداخت معامله یا امانت به دیگری بدهد، استرداد آن زیر عنوان «ایفاء ناروا» ممکن نیست. این عامل نیز نهاد حقوقی ما را از انواع غصب ممتاز می‌سازد و نوعی اصالت به آن می‌بخشد. در هر حال، مدعی استرداد باید تسلیم مادی مال را اثبات کند. مدعی علیه نیز هرگاه بتواند ثابت کند که تأدیه به‌عنوان قرض یا پیش پرداخت یا هبه یا ودیعه بوده است، از رد آن به‌عنوان «ایفاء ناروا» معاف می‌شود.

۴-۲- عدم وجود دین

شرط دیگر تحقق «ایفاء ناروا» این است که تسلیم‌کننده مال مدیون گیرنده نباشد و به بیان دیگر، رابطه دینی میان آن دو

۶- آثار واریز به اشتباه در پرداخت‌های بانکی

مسئولیت دریافت‌کننده ناروا نسبت به آنچه که دریافت کرده یکی از قواعد عمومی پرداخت‌های بانکی است و بر اساس «قاعده منع داراشدن ناعادلانه» تحلیل می‌شود. لیکن اینکه اگر پرداخت ناروا ناشی از قصور عامل انسانی باشد، مسئولیت ناشی از آن برعهده چه کسی قرار می‌گیرد، نیاز به بررسی دارد. به عبارت دیگر، آیا بانک باید نتیجه این قصور را بر عهده گیرد و پس از پرداخت وجهی که به ناروا از تصرف پرداخت‌کننده یا دریافت‌کننده خارج شده به دریافت‌کننده ناروا مراجعه کند یا اینکه تکلیف مراجعه از همان ابتدا بر عهده مشتری بانک قرار می‌گیرد؟ (زمانی فراهانی، ۱۳۸۳: ۲۸)

به‌عنوان قاعده عمومی، مسئولیت مراجعه بر عهده شخصی است که ایفای ناروا یا پرداخت به شخص غیر مستحق تحت هر عنوان با تقصیر یا قصور وی محقق شده است. بنابراین اگر توصیه‌های پرداخت‌کننده یا دستورهای وی موجب اشتباه عوامل بانک شده باشد، بانک مسئولیتی را بر عهده نمی‌گیرد. همچنین، اگر دارنده واقعی یک سند قابل انتقال، با وجود آگاهی به سرقت یا جعل یا نبود آن فرصت کافی برای آگاه ساختن بانک از این موضوع نداشته باشد و بانک با رعایت تشریفات متعارف اقدام به پرداخت کند، مسئولیتی متوجه بانک نخواهد بود. قاعده فوق در صورت سکوت ذی نفع نسبت به تغییرات انجام گرفته در سند پرداخت هم اجرا می‌شود. در «کامن‌لا»، این موضوع بر مبنای قاعده «استاپل» توجیه می‌شود، مشروط بر اینکه دارنده دارای حسن نیت بوده و قصد سوء استفاده از سکوت صادرکننده را نداشته باشد. (خاوری، ۱۳۸۲: ۸۵) در حالی که صادرکننده در صدور یا پشت نویسی سند پرداخت بی‌احتیاطی کند نیز مسئولیت پرداخت به شخص غیرمجاز بر عهده شخص وی خواهد بود.

بهترین مبنا برای استرداد وجهی که به اشتباه پرداخت شده، دارا شدن ناعادلانه است. بنابراین کسی که از حساب وی پرداخت شده و مدعی اشتباه/ناروایی پرداخت است، باید ارکان داراشدن ناعادلانه را اثبات کند. یعنی اثبات کند که اولاً گیرنده وجه دارا شده است؛ ثانیاً این داراشدن با هزینه (کم شدن از دارایی)

پرداخت‌کننده تحقق یافته است و ثالثاً اسباب داراشدن با توجه به قراین و اوضاع و احوال ناعادلانه است. با توجه به اصل صحت، اصل بر آن است که بانک (به‌عنوان محال علیه) با پرداخت مبلغ مندرج در سند تجاری، به دارنده آن مشروط بر اینکه با حسن نیت و با رعایت تشریفات و ظواهر امر باشد، بری می‌شود. از سوی دیگر، اصل دیگری را نیز می‌توان مطرح کرد و آن اینکه مدیون بری نمی‌شود، مگر اینکه پرداخت به بستانکار حقیقی انجام شود. به همین دلیل گفته شده: شخصی که به اشتباه پرداخت کرده است، دوباره می‌پردازد.

با توجه به موقعیت بانک و وضعیت حقوقی آن در پرداخت اسناد تجاری که بدهکار سند نبوده و تنها وکیل مدیون در ایفای سند است باید توجه کرد که پرداخت وجه سند به حاملی که بانک هیچ شناختی از وی ندارد، بانک را مسؤول ایفای ناروا نمی‌سازد، به این شرط که ظاهر سند و امضای مندرج در آن دارای اشکال یا ابهام نامتعارف نباشد. زیرا بانک ملزم به تحقیق در مورد حسن نیت و استحقاق دارنده ظاهری نیست و اساساً انجام این کار برای بانک ناممکن است. با این حال آثار واریز به اشتباه را در خصوص گیرنده، پرداخت‌کننده و رابطه این دو با بانک را بررسی می‌کنیم. (باریکلو، ۱۳۸۷: ۳۱)

۶-۱- الزام‌های گیرنده

همین که ایفاء ناروا تحقق یافت و گیرنده بر مالی مستولی شد که استحقاق آن را ندارد، به حکم قانون ملزم می‌شود که مال را به صاحبش بازگرداند. چهره مقابل این الزام نیز حقی است که برای پرداخت‌کننده در اقامه دعوی «استرداد» به وجود می‌آید تا بتواند آنچه را نابجا یا ناروا پرداخته است باز ستاند. (Ellinger & Hooley, 2007: 35)

در صورتی که موضوع پرداخت مقداری پول باشد که از طریق بانک به حساب گیرنده واریز شده است، گیرنده بایستی معادل آن را باز گرداند. دامنه الزام گیرنده تنها به بازگرداندن معادل آن محدود نمی‌شود. او ضامن منافع تلف شده مال نیز، تا زمانی که وجود دارد، هست و معیار ضمان او نیز ضرری است که به مالک وارد شده و نه منفعتی که گیرنده از تصرف برده است.

پرداخت وجه به شرحی که گفته شد دچار اشتباه شده و زمانی نیز متوجه این اشتباه می‌شود که وجه واریز شده با تغییر فاحش شاخص قیمت سالانه مواجه شده است، این سؤال مطرح می‌شود: که آیا گیرنده وجه مسؤولیتی نسبت به جبران خسارت صاحب وجه از حیث تغییر فاحش شاخص قیمت آن دارد یا نه؟ در پاسخ به این سوال بایستی عنوان کرد: وفق بند ۳ ماده ۴ قانون مسؤولیت مدنی وقتی که زیان دیده خود به نحوی از انحاء موجبات تسهیل ایجاد زیان را فراهم نموده و از طرف دیگر با توجه به فقدان رابطه علیت در ضرر ایجاد شده و اینکه فاعل فعل زیانبار خود صاحب وجه می‌باشد، لذا هیچ‌گونه مسؤولیتی متوجه گیرنده وجه از حیث تغییر شاخص قیمت نخواهد بود. (باریکلو، ۱۳۸۷: ۴۵)

۶-۲- الزام پرداخت‌کننده

در موردی که شخص آگاهانه مالی را که استحقاق ندارد بگیرد، نه تنها کار او در زمینه بهبود وضع مال هیچ اجری ندارد، هزینه نگاهداری مال را نیز خود بایستی متحمل شود. اگر ضرری در این راه تصور شود، اقدام متصرف آن را به بار آورده است و جامعه تعهدی در جبران این خود کرده ندارد. ولی، در فرضی که گیرنده نیز مانند پرداخت‌کننده در اشتباه است، اگر مخارجی برای حفظ مال انجام شود و مالک بتواند از پرداخت آن معاف بماند، استفاده‌ای است که او بدون سبب از مال گیرنده ناآگاه می‌برد و باید آن را جبران کند. (کاتوزیان، ۱۳۸۳: ۲۴۸) ماده ۳۰۵ ق.م.د. درباره همین فرض می‌گوید: «در موارد فوق، صاحب مال باید از عهده مخارج لازمه که برای نگاهداری آن شده است برآید، مگر در صورت علم متصرف به عدم استحقاق خود.»

۷- نقش بانک مرکزی در حل و فصل واریزهای اشتباهی در

سیستم‌های بانکی

موقعیت بانک مرکزی به‌عنوان یکی از نهادهای سیاست‌گذار و ناظر اصلی فعالیت‌های پولی و بانکی، شرایطی را ایجاد می‌کند که به موجب آن، حل و فصل اختلاف‌ها میان بانک‌ها در مواردی بر عهده این بانک قرار گیرد. همچنین، در مواردی پیروی از تصمیم بانک مرکزی حتی اگر بانک مذکور یکی از طرفین

(کاتوزیان، ۱۳۸۳: ۲۴۳) پس، اگر گیرنده مالی که از راه ایفاء ناروا به دست آمده است، آن را عاطل گذارد، در برابر پرداخت‌کننده ضامن منافع فوت شده است. در بیان همین الزام گسترده است که ماده ۳۰۳ ق.م.ا.م می‌کند: «کسی که مالی را من غیر حق دریافت کرده است ضامن عین و منافع آن است اعم از اینکه به عدم استحقاق خود عالم باشد یا جاهل.» از آنجایی که پول مال مثلی محسوب می‌شود، لذا چنانچه پول موضوع ایفاء ناروا به دیگری منتقل شود ایفاء کننده ناروا بایستی نسبت به استرداد مثل پول به ناروا پرداخت شده مبادرت نماید.

از طرف دیگر هر چند که ماده ۳۰۳ قانون مدنی تفاوتی بین عالم یا جاهل بودن گیرنده وجه به استحقاق یا عدم استحقاق خود قائل نشده اما در فرضی که گیرنده وجه ناروا هیچ‌گونه آگاهی و اطلاعی از ناروا بودن وجه واریز شده به حساب خود را نداشته و به گمان اینکه وجه دریافتی از حساب متعلق به خودش می‌باشد و بعد با آن مبادرت به انجام معامله نموده و از این معامله منفعتی عاید وی گردیده، لذا اعمال صرف ماده مذکور به همراه ماده ۳۱۴ قانون مدنی مبنی بر الزام گیرنده وجه به پرداخت منفعت عاید شده در حق صاحب واقعی وجه با منطق حقوقی سازگار به نظر نمی‌رسد. چرا که شخصی که از ناروا بودن وجه هیچ اطلاعی نداشته و از طرف دیگر با شم اقتصادی خود و با پذیرفتن ریسک‌های احتمالی مبادرت به انجام معامله نموده انصاف نیست که با در نظر گرفتن مطلق مواد اشارت رفته از قانون مدنی وی را ملزم نمود که منفعت عایدی را تمام و کمال در وجه مالک پرداخت نماید؛ زیرا تملک چنین ثروتی از سوی مالک مستند به هیچ سبب قانونی نیست و اتفاقاً بردن چنین سود و منفعتی از ناحیه مالک، خود از مصادیق بارز «اکل مال به باطل» یا «استفاده بدون جهت می‌باشد».

حال در فرضی که شخص «الف» به اشتباه و بدون اینکه خود متوجه این اشتباه باشد وجهی را به جای اینکه به حساب «ب» واریز کند به حساب «ج» واریز می‌کند و وجه واریز شده به حساب «ج» بدون اینکه خود وی متوجه این موضوع شده باشد و از آن استفاده کرده باشد مدتی در حساب بانکی وی باقی می‌ماند و شخص «الف» بعد مدتی متوجه می‌شود که در

اختلاف باشد برای بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری لازم است. در زیر به مواردی که در آن حل‌وفصل اختلاف‌ها به پرداخت‌های بانکی از طریق بانک مرکزی انجام می‌گیرد، می‌پردازیم.

مقررات حاکم بر مرکز شتاب، ضمن مواد ۵۲ تا ۵۴، موازینی را برای حل‌وفصل اختلاف‌ها میان اعضای شتاب مقرر کرده است. بررسی مواد مذکور نشان می‌دهد که رسیدگی به اختلاف‌ها با محوریت بانک مرکزی انجام می‌شود. بر اساس ماده ۵۲، (به هنگام بروز اختلاف میان اعضاء در حیطة وظایف مرکزی شتاب، چنانچه اعضاء نتوانند اختلاف پیش آمده را از طریق مذاکره حل‌وفصل نمایند، باید دعوای خود را کتباً به مرکز شتاب تسلیم نمایند.) بنابراین، دو شرط مهم برای طرح اختلاف در مرکز شتاب وجود دارد، یکی اینکه، باید اختلاف به‌طور مستقیم در حیطة وظایف مرکز شتاب باشد. از این‌رو، اختلاف‌های بین بانکی که مربوط به سایر شیوه‌های پرداخت (غیر از مرکز شتاب) باشد، قابل طرح از طریق مرکز نخواهد بود. از طرف دیگر تنها اختلاف‌هایی در مرکز شتاب قابل طرح است که میان بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری عضو این مرکز باشد. در نتیجه اختلاف بانک با مشتری خود، حتی اگر مشتری در روند پرداخت خود از شتاب استفاده کرده باشد، قابل طرح در مرکز شتاب نخواهد بود. چنین اختلافی، در صورت داشتن شرایط، می‌تواند از طریق محاکم دادگستری که بنابر قاعده صلاحیت عام، اختیار رسیدگی به همه دعوای را دارند، مورد رسیدگی قرار گیرد. (باریکلو، ۱۳۸۷: ۵۳)

در خصوص نحوه حل‌وفصل اختلاف‌های مربوط به سامانه تسویه ناخالص آنی (ساتنا) مواد ۴۲ تا ۴۸ موافقتنامه ساتنا، مقررات مفصلی را زیر عنوان (داوری و مقررات انضباطی) وضع کرده است. بررسی کلی این مواد نشان از نقش محوری بانک مرکزی در حل‌وفصل اختلافات مربوط به ساتنا دارد. بر اساس ماده ۴۲، «در صورت عدم مصالحه دو جانبه، اعضاء باید کلیه موارد اختلاف یا مغایرت‌های پیش آمده را به اداره نظام‌های پرداخت بانک مرکزی گزارش کنند. اداره مزبور تا حد امکان تلاش می‌کند تا موارد مورد اختلاف از طریق مصالحه حل‌وفصل شوند. در صورت عدم رفع اختلاف با شیوه مزبور، اداره نظام‌های پرداخت، مراتب را به

همراه گزارش کارشناسی جهت اتخاذ تصمیم به هیات داوری ارجاع می‌دهد.»

به منظور حل‌وفصل اختلاف‌های مربوط به سامانه پایاپای الکترونیکی (پایا)، در موافقتنامه این سامانه، مقررات مفصلی به موضوع حل و اختلاف‌ها اختصاص یافته است. براساس ماده ۵۸ موافقتنامه پایا، به منظور کارشناسی و رفع مغایرت‌ها و مشکلات، بررسی وضعیت موجود و ارائه پیشنهادهاى توسعه‌ای و اصلاحی در پایا، کارگروه تخصصی پایا توسط بانک مرکزی تشکیل می‌شود. این کارگروه متشکل از نمایندگان اعضاء و بانک مرکزی است. ریاست کارگروه تخصصی پایا بر عهده بانک مرکزی است. کارگروه تخصصی پایا، یک مرجع بدوی حل اختلاف میان اعضای پایا به‌شمار می‌آید. بر اساس ماده ۶۰ موافقتنامه پایا، «در صورتی که اختلاف میان اعضاء مطابق با نظر کارگروه تخصصی پایا حل نشده و یا طرفی نسبت به نظر اعلام شده اعتراض داشته باشد، دبیرخانه کارگروه تخصصی پایا مراتب را به همراه گزارش کارشناسی جهت اتخاذ تصمیم به هیات داوری ارجاع می‌دهد.»

برای حل‌وفصل اختلاف‌های احتمالی در بازار بین بانکی ریالی، دستورالعمل اجرایی عملیات بازار بین بانکی ریالی به تعیین مرجع رسیدگی و بیان برخی از قواعد حکمیت بر آن پرداخته است. بنابر بند ۱۳ ماده ۶ دستورالعمل مذکور، اعضای بازار بین بانکی ریالی، موظفند با اتخاذ تدابیر مناسب، اعمال روش‌های نوین بانکداری و اصلاح ساختار تشکیلاتی خود، هرگونه اختلاف، مغایرت و مشکلات حقوقی را به حداقل ممکن برسانند. در صورت بروز اختلاف و عدم حصول نتیجه، بانک مرکزی مشروط به پذیرش حکمیت این بانک از سوی سایر اعضاء و پس از دریافت تقاضای کتبی از هر یک از آنها توسط اداره اعتبارات، به‌عنوان داور، رأی نهایی را صادر می‌نماید. رأی صادر شده از سوی طرفین دعوا لازم الاجراء می‌باشد. (زمانی فراهانی، ۱۳۸۳: ۲۵)

نتیجه‌گیری

عملیات دریافت و پرداخت، بخش عمده‌ای از فعالیت‌های بانکی را تشکیل می‌دهند. بانک‌ها به طور روزمره با اشخاص و

قائل به تفکیک شد. در صورت آگاهی وی، مسأله کلاهبرداری مطرح می‌شود و بانک می‌تواند با اثبات علم و آگاهی او، کلیه خساراتی را که به جهت پرداخت به ذینفع واقعی، طرح دعوا علیه کلاهبرداری و یا غیره متحمل شده، از وی مطالبه نماید. بانک‌ها می‌توانند در قراردادی که برای افتتاح انواع مختلف حساب منعقد می‌شود و چارچوب مشخصی دارد، شروطی را بگنجانند که امکان بروز اختلاف یا مراجعه به دادگاه را به حداقل ممکن رساند. برای مثال، می‌توان شرط کرد که اگر مبلغ معینی به دلیل اشتباه کارمند، خطای رایانه یا اشتباه محرز پرداخت‌کننده به حساب شخصی واریز شود، بانک بتواند بدون اینکه نیاز به اجاره قبلی صاحب حساب باشد، این وجه را از حساب وی برداشت کند. چنین شرطی علاوه بر اینکه باعث کاهش هزینه‌ها و تشریفات مربوط به استرداد وجهی خواهد شد که به ناروا پرداخت شده است، ضرورت مراجعه پرداخت‌کننده یا بانک را به دادگاه (برای طرح دعوی دارا شدن ناعادلانه علیه گیرنده ناروای وجه) مرتفع خواهد کرد.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانت‌داری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردید.

تعارض منافع: تدوین این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.

سهم نویسندگان: نگارش مقاله بر اساس شیوه نگارش مقالات حقوقی، تماماً توسط نویسنده صورت گرفته است.

تشکر و قدردانی: از تمامی کسانی که در تهیه این مقاله ما را یاری رساندند، تشکر می‌نماییم.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش فاقد تأمین‌کننده مالی بوده است.

مشتریان مختلف درگیر هستند. تنوع شیوه‌های پرداخت و کثرت انجام آن در طول شبانه‌روز و بروز حوادث مختلف در فرایند پرداخت‌های بانکی، باعث بروز اختلاف‌هایی می‌شود که به هر حال باید حل‌وفصل شوند. این اختلاف‌ها، اغلب به دادگاه‌ها کشیده شده و بخش عمده‌ای از پرونده‌های محاکم را تشکیل می‌دهند. نتیجه این امر آن است که دعاوی مربوط به پرداخت‌های بانکی، بارها در محاکم مطرح می‌شوند و هزینه زیادی را از نظر مالی و زمانی به شهروندان و دادگستری تحمیل می‌کند. این دعاوی، اغلب موضوعات مشابهی دارند و در نتیجه، احکام مشابهی هم در مورد آنها صادر می‌شود، بدون اینکه رویه مدون و مستندی در مورد آنها شکل گیرد که بتوان در دعاوی آتی از آنها استفاده کرد.

در عمل، بانک‌ها با دو نوع اشتباه در پرداخت روبه‌رو هستند. در گروه اول، اشکال، نقص یا خطای سامانه الکترونیکی بانک موجب مسائلی همچون کسر از حساب بدون پرداخت یا علیرغم انصراف متقاضی یا عدم دریافت، کسر دو برابر از حساب و غیره می‌شود. در حالی که در گروه دوم پرداخت ناروا به موجب اسناد بانکی -در اکثر موارد چک- قرار دارد. این موارد عبارتند از: چک دارای امضای جعلی یا امضای مدیری بوده که در صدور آن از حدود اختیارات خود تجاوز کرده و بانک از حدود اختیارات وی اطلاع داشته است و پرداخت چکی که مبلغ آن مکرراً و به طور متقلبانه‌ای افزایش یافته است و اشتباه بانک در هویت دریافت‌کننده چک و چنین مسایلی در مورد برات نیز ممکن است به نحو دیگری مطرح باشد.

در کلیه موارد مطرح شده، بانک‌ها اکثراً بدون مقاومت، اقدام به جبران خسارت ذینفع واقعی می‌نمایند. البته ممکن است ادعاهایی همچون تردید در ذینفع بودن شخص مراجعه‌کننده یا قابل شکف نبودن اشکال، اشتباه ادعایی ذینفع، عملاً وی را ناچار از طرح دعوا نماید.

در تمام موارد ایفای ناروا از سوی بانک، باید میان حالتی که گیرنده وجه نیز همانند بانک از ناروایی آن ناآگاه است و حالتی که گیرنده به هر دلیل، عالم و آگاه به ناروایی پرداخت است،

منابع و مأخذ

الف. منابع فارسی

- باریکلو، علیرضا (۱۳۸۷). *مسئولیت مدنی*. تهران: میزان.
- بهمنی، محمد و بهمنی، محمود (۱۳۸۴). *بانکداری داخلی*. تهران: مؤسسه عالی آموزش بانکداری ایران.
- بهمنی، محمود و غفاری، مهدی (۱۳۸۴). *اصول بانکداری*. تهران: انتشارات مؤسسه عالی آموزش بانکداری ایران.
- خاوری، محمدرضا (۱۳۸۲). *حقوق بانکی*. تهران: مؤسسه عالی آموزش بانکداری ایران.
- زمانی فراهانی، مجتبی (۱۳۸۳). *پول، ارز، بانکداری*. تهران: انتشارات ترمه.
- شهیدی، مهدی (۱۳۹۰). *تشکیل قراردادها و تعهدات*. چاپ هشتم، تهران: انتشارات مجد.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۲). *الزام‌های خارج از قرارداد: ضمان قهری*. چاپ سوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۳). *قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی*. چاپ دهم، تهران: نشر میزان.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۸). *قواعد عمومی قراردادها*. جلد اول، چاپ هشتم، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- محقق داماد، سیدمصطفی و عیسایی تفریسی، محمد (۱۳۸۸). «قلمرو مسئولیت مدنی ناشی از تخلف از اجرای تعهد». *مجله نامه مفید*، ۳۳(۱): ۲۱-۴۰.

ب. منابع خارجی

- Ellinger, E; Lomnicka, E & Hooley, R (2007). *Ellinger's Modern Banking Law*. Oxford: Oxford University Press.
- Good, R (1983). *Payment Obligation in Commercial and Financial Transactions*. London: Sweet and Maxwell.
- السان، مصطفی (۱۳۹۰). *حقوق پرداخت‌های بانکی*. چاپ سوم، تهران: انتشارات پژوهشکده پولی و بانکی - بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.
- السان، مصطفی (۱۳۹۲). *حقوق تجارت الکترونیکی*. تهران: انتشارات سمت.
- السان، مصطفی (۱۳۹۷). «مصادیق، مبانی و آثار اشتباه در پرداخت‌های بانکی». *فصلنامه پژوهش‌های پولی و بانکی*، ۳۶(۱): ۲۹۳-۳۱۸.
- شهبازی‌نیا، مرتضی و رزاقی، کیانوش (۱۳۹۰). «مفهوم و ماهیت ایفاء در حقوق ایران و فقه امامیه». *پژوهشنامه حقوق اسلامی*، ۳۴(۲): ۱۳۳-۱۵۰.
- شهیدی، مهدی (۱۳۷۷). *سقوط تعهدات*. تهران: انتشارات حقوقدان.

References

- Bahmani, M & Bahmani, M (1384). *Domestic Banking*. Tehran: Iranian Banking Institutes. (Persian)
- Bahmani, M & Ghaffari, M (1384). *The Principles of Banking*. Tehran: Iranian Banking Institutes. (Persian)
- BarikLou, AR (1387). *Civil Responsibility*. Tehran: Mizan Publishing. (Persian)
- Ellinger's Modern Banking Law*
- Elsan, M (1390). *The law of Bank Payments*. Tehran: 3rd ed. Central Bank Publishing. (Persian)
- Elsan, M (1392). *Electronic Commercial Law*. Tehran: Samt Publishing. (Persian)
- Elsan, M (1397). "Examples and Basis of Fault in Bank Payments". *Journal of Monetary & Banking Research*, 36(1): 293-318. (Persian)
- Good, R (1983). *Payment Obligation in Commercial and Financial Transactions*. London: Sweet and Maxwell.
- Katouzian, N (1382). *Civil Law n Contemporary Legal Order*. 10th ed. Tehran: Mizan Publishing. (Persian)
- Katouzian, N (1382). *General Rules of Contracts*. Vol 1, 8th ed. Tehran: Enteshar Publishing. (Persian)
- Katouzian, N (1382). *Requirements out of Contracts*. 3rd. Tehran: University of Tehran Publishing. (Persian)
- Khavari, MR (1382). *Bank Law*. Tehran: Iranian Banking Institutes. (Persian)
- Mohaghegh Damad, SM & Isaei Tafrihi, M (1388). "The Realm of Civil Responsibility for Breaching Obligation." *Name Mofid*, 33(1): 21-40. (Persian)
- Shahbazi Nia, M & Razzghi, K (1390). "Concept and Nature of Fulfillment in the Law of Iran and Shiite Jurisprudence." *Islamic Law Research Journal*, 34(2): 133-150. (Persian)
- Shahidi, M (1377). *Downfall of Obligations*. Tehran: Hoghghdan Publishing. (Persian)
- Shahidi, M (1390). *Formation of Contracts and Obligations*. 8th ed. Tehran: Majd Publication. (Persian)
- Zamani Farahani, M (1383). *Money, Currency & Banking*. Tehran: Terme Publishing. (Persian)